

انسان‌های اولیه‌ای که در منطقه‌ی آذربایجان زندگی می‌کردند، مسکن دائمی نداشتند و در گروه‌های کوچک در کنار مصب رودخانه‌ها و زمین‌های هموار پراکنده بودند. با تولید محصولات کشاورزی آشنایی نداشتند و به همین سبب با میوه‌ی درختان، ریشه‌ی گیاهان، شکار حیوانات و صید ماهی روزگار می‌گذراندند. با تغییر شرایط طبیعی در محیط زیست و با فرا رسیدن سرما، آن‌ها به غارهای طبیعی و پناهگاه‌های سنگی پناه بردند.

براساس کاوش‌های باستان‌شناسی پروفیسور کارلتون استنلی کون در غرب دریاچه‌ی ارومیه در غار «تمتمه» مستنداتی در زمینه‌ی سکونت انسان در آذربایجان غربی به دست آمده‌اند. با توجه به مطالعات علمی، این غار به دوره‌ی پارینه سنگی میانه تعلق دارد. دیگر شواهد باستان‌شناسی، از شکل‌گیری محل‌های استقرار و روستاهای اولیه در نقاط گوناگون آذربایجان غربی، مانند «تپه‌ی حاجی فیروز»، «تپه‌ی جلیبر»، «تپه‌ی اهرنجان»، «گوی تپه»، «تپه‌ی حسلو» و دیگر تپه‌های باستانی این استان، از قدمت دیرینه‌ی سکونت انسان و شکل‌گیری فرهنگ و تمدن در این منطقه حکایت دارند. آثار به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی و وجود کتیبه‌های گوناگون در این استان نشان می‌دهند، جوامع انسانی ساکن در این منطقه، در طول هزاره‌های دوم و اول ق. م با ساکنان گوناگون فلات ایران و

حتی خارج از فلات ایران، ارتباطات گسترده‌ای داشته‌اند. وجود حکومت‌های «هوریان»، «لولوبیان» و «گوتیان» در تاریخ آذربایجان غربی، از پیشینه‌ی تاریخی و تمدنی کهن در این سرزمین نشان دارد.

رئیس نیا می‌نویسد: «مانا، قدیمی‌ترین دولت معتبری است که در اراضی آذربایجان تشکیل شد و پژوهندگان سعی در تعیین حدود نسبی قلمروی آن کرده‌اند.» او به نقل از استاد سعید نفیسی، حدود دولت مانا را بین تبریز و دریاچه‌ی ارومیه از سوی، و کرمانشاه از سوی دیگر محدود می‌کند و از قول عبدالحسین زرین کوب، نواحی جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه تا حدود غربی خزر، به ویژه حوالی مراغه تا بوکان و سقز راه، مسکن اقوام مانایی معین می‌کند. در سال ۱۹۴۷ م، در نزدیکی شهر سقز و در روستای زیویه، آثاری از دوره‌ی مانا از خاک بیرون آورده شد. مردم «اوراتو» یا «آرارات» قومی بودند که از سله‌ی نهم تا هفتم ق. م در ارمنستان کنونی و قسمتی از آناتولی شرقی، آذربایجان و قفقاز سلطنت داشتند. او را توها از سویی با قوم مانا، و از سوی دیگر با آشوری‌ها در جنگ و ستیز بودند. سگر بون دوم، پادشاه آشور، در سال ۷۱۳ ق. م شکست سختی به روسای اول، پادشاه اوراتو در آذربایجان داد. در این زمان، ماناها بار دیگر به اوج قدرت خود رسیدند. مردم اوراتو برخلاف آشوریان، قومی سازنده بودند و در احداث قنات، حفر نهرها، کشاورزی و

تبدیل زمین‌های بایر به دایر سخت کوشیدند. به علاوه، آنان از فلز کاران ماهر دنیای قدیم نیز به شمار می‌رفتند. نژاد قوم اوراتو مشخص نیست. زبان آن‌ها نه سامی بود و نه هند و اروپایی، بلکه از انواع زبان‌های آسیایی یعنی قفقازی به شمار می‌رفت. خط آنان میخی و شبیه خطوط میخی آشوری بود. از این قوم در آذربایجان غربی آثاری بر جای مانده است. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: سنگ نوشته‌ی بسطام در دژ معروف بسطام، سنگ نبشته کله‌شین به دو زبان آشوری و اوراتویی، و سنگ نبشته توانا. دو کتیبه‌ی اخیر در موزه‌ی ارومیه موجود هستند. در تعداد زیادی از تپه‌های باستانی نیز آثاری از دوره‌ی اوراتویی شناسایی شده‌اند.

کشور «مادر» را به «ماد بزرگ» و «ماد کوچک» تقسیم کرده‌اند. ماد بزرگ شامل ری و عراق عجم تا حدود کردستان و کوه‌های زاگرس بود و ماد کوچک آذربایجان را در بر می‌گرفت. ناحیه‌ی «آتورپاتکان» در طول دوره‌ی حکومت سلوکیان همچنان مستقل ماند و یونانیان و جانشینان اسکندر نتوانستند، آداب و رسوم تمدن یونانی را در آن اشاعه دهند. آذربایجان در این زمان پناهگاه زرتشتیان و تکیه‌گاه ایران در مقابل



آذربایجان

غریب در گذر زمان

زهرا تقدس نژاد

یونان شد.

حکومت جانشینان اتروپات در آذربایجان در زمان اشکانیان نیز ادامه یافت و این منطقه توانست کماکان استقلال خود را حفظ کند. سرانجام اردشیر بابکان، مؤسس سلسله‌ی ساسانی، بر حکمرانان آذربایجان استیلا یافت. از این تاریخ این منطقه استقلال خود را از دست داد.

در دوره‌ی ساسانی، معمولاً یکی از مرزبانان را به حکومت آذربایجان می‌گماردند. در اواخر این دوره، حکومت آذربایجان در دست خاندان فرخ هرمزد و پایتخت آن «شیز» یا «گنذب» منطقه‌ی ویرانه‌های لیلان در جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه بود.

پس از فتح آذربایجان به دست عرب‌ها، قبایل عرب از بصره کوفه، شام و یمن برای سکونت به آن جا روی آوردند و با خرید زمین‌های وسیع، کشاورزی را گسترش دادند و افراد بومی را رعیت خود ساختند. امرای عرب برای محافظت از زمین‌ها و احتمالاً رعایای مسلمان خود از حملات دیگر مردم آذربایجان که به اسلام نگروده بودند، باروهایی در اطراف املاک وسیع خود می‌کشیدند. فضاهاى داخل این باروها به تدریج به صورت شهرهای نسبتاً مهم درآمدند.

سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام، مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان که از شرق ایران برخاستند و حکومت‌های مستقلی را تشکیل دادند، هیچ‌گاه نتوانستند

قلمروی خود را به آذربایجان برسانند. در این مدت که از سال ۲۰۵ ق - تأسیس سلسله‌ی طاهریان - شروع و تا سال ۴۲۹ ق - آغاز حکومت سلجوقیان - ادامه می‌یابد،

حکومت‌های محلی متعددی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند. آخرین حکام مقتدر این ایالت ساجیان (بنی ساج، ۲۷۶-۳۱۷ ق) بودند که آن‌ها نیز خود عاقبت بر ضد خلفا قیام کردند. در دوره‌ی حکومت ساجیان و حکومت بعد از آن، حکمرانانی در قسمت شمالی رود ارس به حکام آذربایجان خراج می‌دادند که معروف‌ترین آن‌ها شیروان شاهان، خداوندان شکی، حکام گرجستان، روادیان و حکام ارمنستان بودند.

در آغاز قرن پنجم ق، «ترکان غز» به فرماندهی سلجوقیان، نخست در دسته‌های کوچک و سپس با تعداد بیش‌تر، آذربایجان را به تصرف درآوردند. در نتیجه، اهالی ایران و نواحی ماورای قفقاز و مجاور آن، حکومت ترکان را پذیرفتند. در سال ۵۳۱ ق،

آذربایجان به دست اتابک ایلدگز افتاد. او و فرزندان، تا حمله‌ی کم دوام جلال‌الدین خوارزمشاه به آذربایجان، حکومت کردند. با حمله‌ی مغولان و ورود هلاکو خان

ایلخان (۶۵۴ ق)، آذربایجان مرکز حکومتی بزرگی شد که تا شام امتداد داشت. پس از ضعف ایلخانان مغول، امرای مستقل از حمله «جلایریان»، «چوپانیان» و

ترکمانان در آذربایجان حکومت کردند. پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۷ ق)، آذربایجان سنگرگاه

اصلی و مرکز عمده‌ی گردآوری قوای نظامی برای شاهان صفوی شد. در دوره‌ی صفویه، آذربایجان محل جنگ‌های خونین میان سپاهیان ایران و عثمانی شد. بنای یادبود سیدصدرالدین، وزیر اعظم شاه اسماعیل صفوی، در چهار کیلومتری چالدران، گواهی بر این ادعاست.

پس از سقوط دولت صفویه، در دوره‌ای که ایران عملاً میان روس، عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی ماند. دیری نپایید که نادرشاه افشار آن را از تصرف دولت

عثمانی بیرون آورد و در صحرای «مغان» تاجگذاری کرد. کریمخان زند در سال ۱۱۷۵ ق آذربایجان را از دست خان‌های محلی که پس از مرگ پادشاه قیام کرده بودند، باز پس گرفت. اما پس از مرگ او، بار دیگر خوانین محلی سر بر آوردند، تا این که آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۵ ق موفق شد، آذربایجان را کاملاً مطیع خود سازد.

پس از سال ۱۳۲۵ ق، مردم آذربایجان نقش مهم و مؤثری در انقلاب مشروطه‌ی ایران داشتند. در واقع پس از تهران، آذربایجان دارای مهم‌ترین نقش در انقلاب مشروطه بود. با اشغال آذربایجان از طرف روس‌ها، آثار انقلاب مشروطه در آن به‌طور موقت از میان رفت. این هجوم با هم پیمانی دولت انگلیس به بهانه‌ی حفاظت از



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال مجله‌ی انسانی

شهرستان پیرانشهر، دهبکری، عثمان بیگی و گورگ در شهرستان مهاباد، باسک کوله، بریاحی، کلاسی، پشتدری و ملکاری در شهرستان سردشت و ایل زرزاد در شهرستان اشونویه.

هنرهای سنتی قالی بافی

به استناد منابع تاریخی، آذربایجان در قرن سوم ق از بزرگ‌ترین مراکز بافت قالی در کشور بود.

در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی نیز این هنر در آذربایجان از رونق خاصی برخوردار بود. مینیاتورهای نسخه‌ی خطی «**خمسه‌ی نظامی**» اثر **قاسم علی** و برخی آثار دیگر نشان می‌دهند، قالی بافی در دوره‌ی تیموری و سپس در دوره‌ی صفویه نیز سیر تکاملی خود را طی کرده است. امروزه نیز آذربایجان یکی از مراکز مهم تولید انواع قالی در ایران است و بافتن انواع قالی در بیش تر شهرها و روستاهای آن رواج دارد. تولیدات این هنر از نظر صادرات دارای اهمیت بسیاری است. از جمله معروف‌ترین مناطق قالی بافی در این استان، شهرستان تکاب است و قالی «**افشار**» آن شهرت جهانی دارد. همچنین، فرش «ریز ماهی» شهرستان خوی از دیرباز مشهور بوده است. بافت فرش ابریشم در میان‌دوآب رواج دارد و هر ساله تعداد قابل توجهی از انواع قالی و قالیچه‌های بافت این استان در طرح‌ها و نقش‌های متنوع و بافت‌های گوناگون به بازارهای داخلی و خارجی عرضه می‌شود.

بافته‌های دستی

جدا از قالی بافی، بافتنی‌های دستی دیگر نیز جزئی از صنایع دستی آذربایجان غربی به شمار می‌روند. بافت انواع دستکش، شال گردن، جوراب پشمی، کلاه و چادرهای کتانی، در این نقطه از کشور رایج است.

نازک کاری چوبی

با توجه به آب و هوای مساعد استان، انواع چوب از جمله چوب گردو که رنگ آن تیره است و چوب گلابی و افرا که رنگی سفید دارد، در صنایع چوب و هنر ریزه کاری

اقلیت‌های خارجی مقیم آذربایجان در سال ۱۳۲۸ ق صورت گرفت.

با آغاز جنگ اول جهانی، آذربایجان مورد تهاجم نیروهای روسیه و عثمانی قرار گرفت. پس از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ م، روس‌ها آذربایجان را تخلیه کردند و ترکان عثمانی در تبریز حکومتی دست نشانده مستقر ساختند. پس از شکست آلمان و متحدش عثمانی در جنگ جهانی اول، آذربایجان و سراسر ایران به دست انگلیسی‌ها افتاد.

پهلوی اول در سال ۱۳۰۰ ش دوباره حکومت ایران را برقرار کرد. به دنبال شروع جنگ دوم جهانی در سال ۱۳۲۰ ش، نیروهای شوروی وارد ولایات شمالی ایران از جمله آذربایجان شدند. این نیروها در آغاز ماه ۱۹۴۶ م (اردیبهشت ۱۳۲۵ ش)، به دنبال طرح مسأله‌ی آذربایجان در سازمان ملل متحد که به شکاف رسمی بین متفقین منجر شد، آذربایجان را تخلیه کردند. با شروع انقلاب اسلامی، مردم قهرمان آذربایجان دلاوری‌های بی نظیری در راه پیروزی از خود نشان دادند.

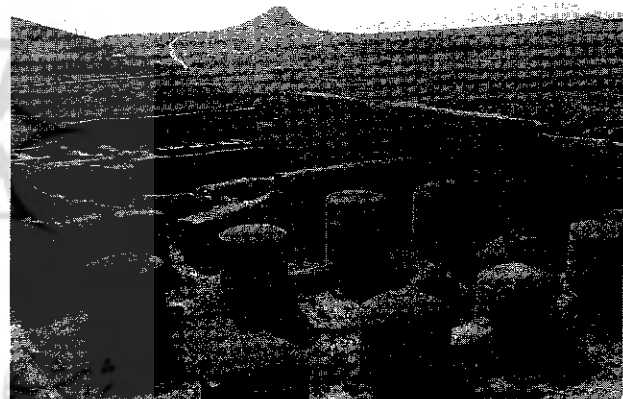
فرهنگ عامه

آذربایجان غربی همواره محل زندگی مجموعه‌ای از اقوام با فرهنگ‌های گوناگون بوده است. فرهنگ مردمان این خطه نیز در ارتباط با عوامل متعدد جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، و تحت تأثیر گرایش‌های گوناگون اجتماعی و تاریخی شکل گرفته است. هر یک از اقوام این منطقه فرهنگ بومی ویژه‌ی خود را دارد. عشایر از جمله اقوام عمده‌ی ساکن در این منطقه محسوب می‌شوند.

استان آذربایجان غربی یکی از مراکز مهم زیستگاه‌های عشایری در ایران است. هر یک از ایلات این استان از چند طایفه تشکیل شده است. ایلات و طوایف مهم استان عبارتند از: افشار، بیگ‌زاده، قاسملو، گوندوزلو، کهلو، ایمانلو، هرشلو، پاپلو، قریقلو، هرکس، سادات و زعفرانلو در شهرستان ارومیه، شکاک در شهرستان سلماس، میلان، کره سینی، ممکنلو و دنبلی در شهرستان خوی، زیلان و جلالی در شهرستان باکو، قره پاپاق و مامش در شهرستان نقده پیران، صوفیانلو و منگور در



تخت سلیمان، تکاب



مقبره‌ی سید صدرالدین، چالدران

این منطقه به کار می‌رود. هنرمند از قطعات چوب به صورت روکش استفاده می‌کند. از این طریق، انواع قاب عکس، شکلات خوری، جعبه‌ی کارد و چنگال، عصا و مجسمه‌های زیبا، و حتی میز و صندلی و مبلمان نیز در این استان تولید و عرضه می‌شوند.

معرق کاری و منبت کاری

معرق و منبت روی چوب یکی از صنایع دستی مهم این استان به شمار می‌رود و به لحاظ اقتصادی، از جمله صادرات استان محسوب می‌شود.

آثار تاریخی

مسجدها: مسجد جامع ارومیه، مسجد سردار (ساعتلو)، مسجد مناره، مسجد جامع بوکان، مسجد حمامیان، مسجد چورس، مسجد داش آعلیان، مسجد سیدالشهدا، مسجد شیخ، مسجد مطلب‌خان، مسجد ملاحسن و مسجد جامع مهاباد.

امامزاده‌ها:

امامزاده سید پهلول (ع)، امامزاده آقامیرهای (ع)، امامزاده سید یعقوب (ع) و امامزاده تازه شهر.

بقعه‌ی مشرب که:

بقعه‌ی دیزج تکیه، بقعه‌ی ایوب انصاری و بقعه‌ی ذهبیه.

مقبره‌های بزرگان:

مقبره‌ی سه گنبد، مقبره‌ی بناغ سلطان، مقبره‌ی سردار، مقبره‌ی سید صدرالدین، مناره‌ی شمس تبریزی، مقبره‌ی کشیش زاکاریان، مقبره‌سائندوخت و مقابر روستای تتمان.

کلیساها:

قره کلیسا (کلیسا تاتانوس)، کلیسای ننه مریم، کلیسای حضرت مریم، کلیسای سورپ سرکیس، کلیسای هفتوان، کلیسای مارگور کیس (گلیاستین)، کلیسای مارتوما (بولولان)، کلیسای قره‌باغ، کلیسای مارسر کیس، کلیسای پطروسوپولوس، کلیسای ماریوخته (گولان)، کلیسای حضرت مریم (ماوانا)، کلیسای ماردانیال، کلیسای مهلنان، کلیسای فنایی، کلیسای وانگ خسروآباد، کلیسای زور زور، کلیسای مارقور یا قوس، کلیسای مادت خنه، کلیسای ماریوختا، کلیسای مار صبر شوع، کلیسای مارگور کیس ارومیه، کلیسای قریس درخوی،

کلیسای مارتر گیس خسروآباد و کلیسای ملحم سلماس.

اینه و تأسیسات حکومتی:

شهرداری ارومیه، ساختمان شهرداری ارومیه، ساختمان جهاد دانشگاهی، عمارت کلاه فرنگی، ساختمان بانک ملی ماکو، ساختمان شهرداری ماکو، و کاخ باغچه جوق.

قلعه‌ها:

قلعه‌ی بردوک، قلعه‌ی کاظم دانشی (کاظم خان)، قلعه‌ی اسماعیل آقا، قلعه‌ی شای (یوشتو)، قلعه‌ی دختر (قیز قلعه)، قلعه‌ی کوراوغلی، قلعه‌ی کوه پیر چاووش، قلعه‌ی تبت، دژ ساری قورخان، قلعه‌ی باستانی بسطام، تخت بلقیس، قلعه‌ی هلاکوخان، بخش قلعه، قلعه‌ی سردار در بوکان، قلعه‌ی عباس آباد در بوکان، قلعه‌ی چهریق در سلماس و قلعه‌ی آغجیوان در شاهین دژ قلعه سیاه در ماکو.

دروازه‌ها:

دروازه‌سنگی، کاروانسراها: کاروانسرای ارومیه، کاروانسرای خان، کاروانسرای میرزا هاشم، کاروانسرای چیت‌سازان، کاروانسرای شاه عباسی و کاروانسرای قلعه.

پل‌ها:

پل خاتون، پل میرزا رسول، پل باراندوز، پل پنج چشمه، پل قلعه جوق، پل کسبان، پل ممیند و پل قالاتاسیان.

حمام‌ها:

حمام آخوند، حمام خان بیگ، حمام ماکو، حمام میرزا رسول در مهاباد، حمام شیخ در سلماس، حمام قدیمی سردشت، حمام ایل در خوی، حمام قبان در شاهین دژ، حمام پورناک در بلدشت، حمام تجلی در ارومیه، حمام محمدبیک در خوی، حمام امامزاده در خوی، حمام قرآچه در ارومیه، حمام فیرورق در خوی و حمام علی مصطفی در ارومیه.

بازارها:

بازار ارومیه و بازار خوی. خانه‌های تاریخی: خانه‌ی کبیری، خانه‌ی یوسفی، خانه‌ی صفرعلی خان، خانه‌ی سنگی جمال خان تیموری و خانه‌ی علی خان بیات.

مسجد جامع ارومیه

مسجد جامع ارومیه که یکی از آثار کهن و قدیمی این شهر تاریخی است، در خیابان اقبال قرار دارد. این مسجد در میان بازار قدیمی شهر واقع شده و یکی از ارکان اصلی بافت قدیمی شهر است. برخی از

محققان معتقدند، این بنا ابتدا آتشکده بود و بعد از تسلط مسلمانان ویران شد و سپس در قرن هفتم ق روی آن مسجدی ساخته شد. به اعتقاد این گروه از محققان، سبک تزئینات، گچبری‌ها، ستون‌بندی‌ها و طاق‌های مسجد کاملاً شبیه به سبک معماری سلجوقیان است.

تاریخ تجدید بنای مسجد معلوم نیست،

اما محراب آن در تاریخ ۶۷۶ قی ساخته شده است. این مسجد به همراه سایر اجزای بافت قدیمی شهر، به ویژه بازار و راسته‌های آن، بارها مرمت و بازسازی شده است. مسجد جامع با دو در ورودی که از صحن بزرگ آن منشعب می‌شود، به بازار راه دارد. مسجد دارای آثاری از دوره‌های گوناگون به این شرح است:

شهبستان گنبد قدیمی:

هسته‌ی گنبددار قدیمی، هسته‌ی اولیه‌ی بنا را تشکیل می‌دهد و حاوی همه‌ی مشخصات معماری اسلامی است. به احتمال قریب به



برج شمس تبریزی، خوی



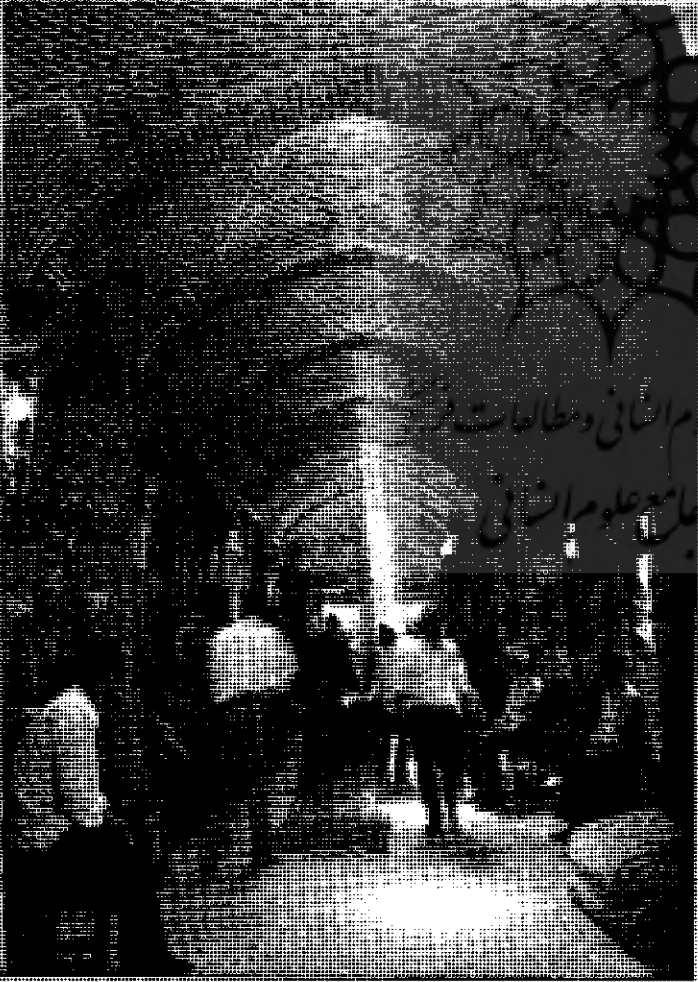
در این روزها که همه چیز در حال تغییر است
 و همه در حال تلاش برای ساختن آینده
 بهتر برای خود و برای کشور است
 ما هم در کنار شما هستیم
 و با تمام توان خود
 در خدمت شما هستیم
 و امیدواریم که بتوانیم
 با همکاری شما
 به اهداف خود برسیم
 و به یک آینده روشن
 برای خود و برای کشور
 برسیم.

حوزه های خدمات تخصصی

خدمات مشاوره و برنامه ریزی
 خدمات بازاریابی و تبلیغات
 خدمات طراحی و چاپ
 خدمات مدیریت منابع انسانی
 خدمات حقوقی و حسابداری

تیم ما

ما یک تیم متعهد و حرفه ای هستیم
 که با استفاده از دانش و تجربه خود
 در خدمت شما هستیم
 و با همکاری شما
 به اهداف خود برسیم
 و به یک آینده روشن
 برای خود و برای کشور
 برسیم.



مشاوران و خدمات
 تخصصی

